

کتاب «نگاهی ساختارگرایانه به خردستیزی عرفان» منتشر شد

کتاب «نگاهی ساختارگرایانه به خردستیزی عرفان»، نوشته رضا برمیه‌ور به همت نشر کلاغ منتشر و روانه بازار نشر شد.



کتاب «نگاهی ساختارگرایانه به خردستیزی عرفان»، نوشته رضا برمیه‌ور به همت نشر کلاغ منتشر و روانه بازار نشر شد. به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «نگاهی ساختارگرایانه به خردستیزی عرفان»، نوشته رضا برمیه‌ور، همانطور که از نام اثر معلوم می‌شود، به هیچ روی با عرفان و فرهنگ عرفانی میانه خوبی ندارد. به نظر می‌رسد حسب مضامین موجود در کتاب، واکنش‌ها در برابر آن نباید بیش از دو نوع باشد: مخالف و موافق. نویسنده خواهد توانست کسانی را، اغلب نزدیک به تمامی، با خود همراه کند و کسانی را باز، اغلب نزدیک به تمامی، با خود مخالف سازد؛ بسته به اینکه خواننده او در قبال عرفان و اندیشه‌های باطنی، پیش از خواندن این دفتر، چه موضعی داشته باشد.

نویسنده کتاب «نگاهی ساختارگرایانه به خردستیزی عرفان» موضعی ستیهنده در قبال باور و فرهنگی دارد که کتابش را به آن ویژه داشته است. به طور مشخص این چند سطر به روشنی ما را به درون ذهن نویسنده و ایده اصلی کتابش می‌برد: «اما تعبیر و تفسیری که نوعاً از عرفان در سرزمین ما شده است، شکل خاصی به آن بخشیده، به گونه‌ای که چشم‌اندازهای خردستیزانه مستتر در فرهنگ عرفانی، از دیدگاه بسیاری، پوشیده مانده و به نوعی موجه و حکیمانه تفسیر و تأویل گردیده است. گفتار عرفا هرچه که بوده و هست، کلام اهل دل و منتسب به بیداردلان روشن‌ضمیر تلقی گردیده و قبح خردستیزی در گفتار آنها گویی قباحت خود را از دست داده و در عوض به سرّ و حکمتی مکتوم تبدیل شده است. به اعتقاد نگارنده هیچ حکمت و سرّی برای هیچ شکلی از خردستیزی نمی‌توان منظور کرد که احترام‌برانگیز باشد، حتی به دلایل ایمان‌گرایانه. در هر چارچوبی و تحت هر الگوی اعتقادی که خردستیزی انجام گیرد، محظور و نارواست.» (صص ۹۲ و ۹۱)

آنچه نقل شد به نوعی چکیده باورهای نویسنده در قبال عرفان و اندیشه‌های نهانگرایانه و صوفیانه است. اکنون مروری داشته باشیم بر فصل‌های کتاب:

فصل نخست به معرفی و بررسی مفهوم ساختارنگری می‌پردازد. این فصل با جمله‌ای آغاز می‌شود که مؤلف در صفحه‌های آتی، چند جای دیگر به همان دیدگاه اشاره کرده است. در واقع به باور رضا برمیه‌ور «هستند بسیاری از آثار و اقوال عرفا و اشعار شعرا که به صرف اعتبار گوینده در تراز حقیقت و خطا، به درستی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند.» در فصل نخست بر اساس دیدگاه‌های کلود لوی اشتروس و فردینان دو سوسور «مردم‌شناسی ساختاری» یا ساختارنگری معرفی می‌شود. نویسنده پس از قرار دادن عرفان در جرگه پدیده‌های اجتماعی، به مسأله «محدودیت گفتار» پرداخته، می‌نویسد: «اغلب نظرها و نکات ارائه شده در لابه‌لای اشعار مولانا، بدون بررسی و نیاز به ارائه برهان و استدلال، تنها با استناد به نام مولانا، حقیقت انگاشته می‌شود. حقیقت‌انگاری متن چیزی نیست جز محدودیت گفتار که زیر نفوذ اعتبار نام مؤلف به وقوع می‌پیوندد.» (صص ۱۱ و ۱۰)

عنوان فصل دوم «عرفان» است. چنانکه پیشتر اشاره شد، کتاب یاد شده می‌تواند موافقان یا مخالفان قاطعی داشته باشد. مثلاً خواهند بود کسانی که دل به گرایش‌های عرفانی سپرده‌اند و با تعریف‌های ارائه شده از سوی نویسنده مخالفند. احتمالاً به‌زعم این گروه نویسنده برای ساختن بنای استدلال خود، مواردی را که به سود نظریه خود بوده گرد آورده و از موارد دیگر در گذشته است. در این فصل به برخی دیدگاه‌های دوگانه در جهان اسلام در قبال نگرش‌های عرفانی و صوفیانه پرداخته شده است.

فصل سوم «عرفان عملی» نام دارد. نویسنده، عرفان را نافی مسؤلیت‌پذیری اجتماعی دانسته و می‌نویسد: «بی‌تکلیفی به اعتبار تکالیف معنوی و درون‌گرایی به نیت کسب تجارب عرفانی، حاصلی جز تفرّد، خودمحوربینی و معنویت ناروشن ندارد. ناروشن از این رو که اگر برای معنویت به‌طور کلی دو سویه آسمانی (معنویت دینی و الهی) و سویه اجتماعی (معنویت انسانی) قائل باشیم، در هر دو حالت، نوع‌دوستی و پرداختن به احوال دیگران ضروری می‌نماید... پیامبران در شرایطی که برخوردار از تجربه نبوی هستند، درحالی‌که مستحیل و مستغرق در تفکرات الهی‌اند، از احوال و اوضاع انسان‌ها نیز غافل نمی‌شدند. به عبارت دیگر به اعتبار معنویت آسمانی، مسؤلیت انسانی هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نمی‌شد.» (صص ۲۸ و ۲۷) اما آیا از تاریخ عرفان اسلامی مثال‌های نقض یا مثال‌های نقض بسیاری را در برابر این گفته نمی‌توان برشمرد؟

مؤلف در چهارمین فصل، یعنی «اندیشه افسانه‌ای و برساخته‌های عرفان»، بر اساس دیدگاه‌های ارنست کاسیرر، فیلسوف و نظریه‌پرداز علم معرفت‌شناسی، می‌نویسد: «به‌رغم اینکه ذهن انسان به کمک زبان به مرحله اندیشه منطقی رسیده است، ذهن افسانه‌ساز تا به امروز از انسان جدا نشده و محصول آن اندیشه افسانه‌ای است. اندیشه افسانه‌ای را کاسیرر در مقابل اندیشه

عنوان فصل‌های دیگر کتاب به شرح زیر است: «تجربه عرفانی، درک حقیقی یا تخیل»، «مخالفت با فلسفه به مثابه گفتمان غالب عرفان»، «گفتمان احساسی و گفتمان اقتناعی»، «اعتلای عرفان و نزول گفتمان فلسفی»، «تجزیه جهان فکر و فرهنگ»، «کیش مآبی، عارضه مکتب‌های تک‌محور»، «ایمان‌گرایی مسیحی (رابطه میان عقل و ایمان)»، «ایمان‌گرایی و خردستیزی عرفان»، «انسداد تفکر، معلول آرمان‌گرایی عرفان» و «تحقیر عقل».

نویسنده که بارها با نگاه منفی به آراء مولانا، عطار، ابوالحسن خرقانی و ابن‌عربی نگریسته، در کل، مدافع مشی ابوسلیمان سجستانی، ابوعلی سینا، فارابی، یحیی بن عدی، ابن رشد، ابن باجه و فردوسی است.

وی در پایان کتابش در قابل آنچه «دوگانگی‌های فرهنگی» می‌نامد به خوانندگان هشدار می‌دهد و سرانجام می‌نویسد: «انسان برای رسیدن به اخلاق متعالی و دست‌یابی به حقایق متعالی، نیازی به غیاب از جهان، ترک شناخت علمی و پرداختن به رویکردهای شهودی ندارد. بدون اینکه شعر و ادبیات را جایگزین فرهنگ پرسشگر کنیم، می‌توانیم با استفاده از ظرفیت‌های زیباشناختی ادبیات، برای بحث منظم درباره مفاهیم بشری، به کمک فلسفه برآییم.» (ص ۱۱۱)

در صفحه ۱۱۱، در سطر دوم، به نظر می‌رسد بایستی به جای فعل «نباشیم» از فعل باشیم استفاده می‌شد و در سطر پنجم نیز ایضاً همچنان؛ زیرا در چنان صورتی است که دوگانگی مد نظر نویسنده شکل می‌گیرد.

باید دید مدافعان نگرش‌های عرفانی در قبال مضامین مطرح در کتاب مورد اشاره، چه موضعی اتخاذ خواهند کرد. کتاب «نگاهی ساختارگرایانه به خردستیزی عرفان»، نوشته رضا برمایه‌ور را نشر کلاغ در ۱۱۱ صفحه و به قیمت ۶۰۰۰ تومان منتشر کرده است.